

جایگاه تصوف

در روند قدرت گیری عثمانی

● شعیب نادرزاده

دانش‌آموخته کارشناسی تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی و کارشناس ارشد تاریخ تشیع دانشگاه پیام نور قم
naderzadeh.62@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۲۶

چکیده

تاریخ نشان می‌دهد که در فتح آناتولی عامل دین نقش مؤثری داشته است. البته باید ذکر کرد که هدف ترکان دستیابی به رهبری جهان اسلام نبود، بلکه هدف آنها در این برهه زمانی خدمت به اسلام بود که موجب شد تا ترکان در مقابله با دنیای مسیحیت، در واقع پیشگام مسلمانان شوند. ترکان مسلمان که آناتولی را فتح کردند و در قسمت‌های مختلف آن استقرار یافته و موفق به تأسیس یک دولت مستقل شدند، با ساکنان بومی آناتولی درآمیخته و با گسترش اسلام در آناتولی به صورت یک ملت بزرگ درآمدند، همین ترکان تحت تأثیر مدنیت یونانی و رومی و مسیحیت قرار نگرفتند و حتی فرهنگ و تمدن مسیحیان مغلوب آناتولی را نازل‌تر از فرهنگ و تمدن اسلامی یافتند. این امر از آن جهت بود که ترکان عمیقاً متأثر از تمدن و فرهنگ اسلامی بوده و از این جهت نمی‌توانستند فارغ از تأثیر ژرف فرهنگ اسلامی زندگی کنند. نکته‌ای که قابل ذکر است مهاجرت دسته جمعی ترکان تازه مسلمان از آسیای مرکزی آن هم به خاطر کثرت جمعیت و جستجو برای چراگاه بود. تماس ترکان با اسلام و مسلمانان موجب شد خان بزرگ ترک ساتوق بغراخان، شمنزیم را که صدها و بلکه هزاران سال آیین اجدادی ترکان بود، ترک و ضمن قبول اسلام آن را در دولت خود رسمی نیز سازد. البته در پذیرش اسلام از سوی ترکان، منافع سیاسی و ملی نیز دخیل بوده است. از جنگ ملازگرد به بعد، ترکان ایده‌آل با آرمان جهاد در راه خدا به سوی غرب پیشروی کردند و مرزها و ممالک غیر اسلامی را گشودند. ترکان مسلمان علاوه بر امر مقدس جهاد در ممالکی که فتح کردند، اقدام به ساختن مسجد، مدرسه، حمام، بازار و کاروانسرا و غیره می‌کردند. این امر حاکی از علائق و دلبستگی‌های دینی آنها بود. از نمونه مواردی که ذکر کردیم چنین دانسته می‌شود که ترکان مسلمان با هدف خدمت به اسلام دست به تلاش و تکاپو می‌زدند. بدین ترتیب ترکان علاوه بر جهاد در راه دین، با اقدامات خود به اشاعه و ترویج اسلام نیز پرداختند. در اینجا یک نکته مهم که باید بدان اشاره کرد، وجود گروه‌های طریقتی و متصوفه بود که در ادامه در قلمرو عثمانی قوت گرفت و نقش مهمی در اشاعه قدرت عثمانیها داشته است و عثمانیها به حق نهایت استفاده را از آنها کردند و بر سایر امیرنشینها سلطه و حکومت عظیم خود را بنیان نهادند.

کلیدواژه‌ها: آناتولی، عثمانی، دین، رویکرد اعتقادی.





مقدمه

از همان زمان که جرقه حرکت و تشکیل حکومت در ذهن سلاطین عثمانی شکل گرفت، تا زمان سلطه بر امیرنشینهای ده‌گانه ترکمان و حتی در دوران اوج و ترقی امپراطوری، نقش دین و زمینه‌های اعتقادی را در ساختار حکومت به وضوح می‌بینیم. اگر کمی در رفتار سلاطین عثمانی دقیق شویم، می‌بینیم در کنار خوی جنگاوری، یک روح لطیف و معنوی داشتند که آنها را به ساختن امکنه و بناهای مذهبی، تشویق می‌کرد و به حمایت از گروههای متصوفه و فتوت وامی‌داشت. در این مقاله سعی شده است تا به وضعیت اعتقادی آناتولی، قبل و بعد از سلطه عثمانیان نگاهی دقیق شود و علل این امر که چرا گروههای مذکور در این ناحیه تمایل بیشتری به ماندن و همسازی با حکومت عثمانی نشان دادند، بیان گردد.

وضعیت اعتقادی آناتولی دوره سلجوقیان

اخبار پراکنده‌ای موجود است که بنابر آنها معلوم می‌شود، چگونه ترکان ماندگار شده در سرزمینهای بیزانسی با کشیشیان ارتدوکس به حال توافق می‌زیسته‌اند، نشانه بارزی برای انحطاط روحی بیزانس و آناتولی به شمار می‌رود. ماندگار و پراکنده شدن ترکمانان بر کرانه دریای سیاه و در ناحیه کیلیکیه نیز به همین ترتیب بوده است. عده زیادی از پیشوایان دینی و باباهای (پیران و صوفیه) ترکمن که در مقابل مغولان از ترکستان، ایران و آذربایجان گریخته بودند، در مرزها پناه جستند و ترکمنهای نیم شمن را به دین اسلام درآوردند. به این ترتیب مایه تقویت اسلام شدند و فکر جهاد در راه ایمان را در سرزمینهای مرزی تبلیغ کردند. به همین دلیل بود که فتوحات ترکمنها عنوان غزا یا جنگ برای ایمان پیدا کرد و آنان را اوج غازیگری؛ یعنی جنگنده برای ایمان خوانده‌اند و نیز به همین جهت بود که مرزها آکنده از دراویش و خانقاهها شد.^۱

سلجوقیان در کنار دادن امکانات و زمینهای کشاورزی، تسامح دینی و آزادی خاصی برای مسیحیان قائل شدند. همین امر باعث شد به سلجوقیان وفادار بمانند و تنفرشان را نسبت به بیزانس افزایش داد. سلاطین سلجوقی مجالس بحث و مناظره تشکیل می‌دادند که علمای دینی مذاهب مختلف در آن شرکت می‌کردند. این ترکان آناتولی زندگی هماهنگی در میان نژادها و دینهای مختلف برقرار کردند. در حقیقت ترکان مسلمان و مسیحیان محلی نه تنها در زندگی و فرهنگ مشترکی با یکدیگر سهیم بودند، بلکه حتی هر دو دسته مشترکاً به زیارت امکنه مقدسه واحد می‌رفتند. صوفیان بزرگ صاحب دیدی جهانی همچون جلال‌الدین رومی و یونس امره، از چنین محیط اجتماعی برخاستند. صوفی بزرگ دیگر محی‌الدین ابن عربی نیز به آناتولی آمد و در قونیه سکونت گزید، تا از آزادی فکری آن محیط برخوردار باشد. مریدانی که در اصل به ادیان و فرقه‌های مختلف تعلق داشتند، پیرامون جلال‌الدین رومی و جانشینان وی با یکدیگر متحد شدند و به تهذیب نفس پرداختند. هنگامی که در ایام حمله مغولان، ملطیه بدون فرمانروا مانده بود، جامعه‌های مسلمان و مسیحی تحت فرمان پاتریک سوری متحد شدند و سوگند وفاداری یاد کردند. این مطلب حائز اهمیت است که محدودیتها و تمایزاتی که در دیگر کشورهای اسلامی برای مسیحیان و یهودیان وجود داشت، در آناتولی سلجوقیان رایج نبود. با این سیاست جمعیت کثیری از مسیحیان در آناتولی باقی ماندند. با آنکه ترکان یک قرن پیش از آمدن به آناتولی دین اسلام را پذیرفته بودند، مسلمانی آنها به علت راه زندگی صحرائشینی بسیار سطحی بود و در زیر پوشش اسلام به سنتها و باورهای شمنی خود پایبند بودند. دین شمنی به صورت ژرف در فرقه‌های مذهبی تأثیر گذاشت و مقداری از تشریفات دینی آن، رنگ مسلمانی پیدا کرد. فرمانروایان سلجوقی غالباً متکلمان، فقیهان، پزشکان، هنرمندان و شاعران را از سرزمینهایی که دین اسلام در آنها قدمت داشت، دعوت

۱. تاریخ اسلام کمبریج، صص ۳۴۱ و ۳۴۲.



می‌کردند و برای توسعه و ترقی فرهنگ اسلامی، مدارس، بیمارستانها و سازمانهای دینی بنیان نهادند. نکته مهم دیگر حمله مغولان بود که سبب مهاجرت گروه کثیری از علما و هنرمندان به آناتولی شد که اینان در توسعه فرهنگ اسلامی سهیم شدند.^۲

تردیدی نیست که ترکمانان آناتولی نشانه‌هایی از گذشته شمنی پیش از اسلام آسیای مرکزی خود را وارد این سرزمین کردند. اما این ترکمانان در نهایت از

هواداران سرسخت یکی از مذاهب تسنن؛ یعنی مذهب حنفی شدند. گفتنی است که در بین سلجوقیان روم تا سده هفتم نوشته‌های تازه و نابی در زمینه کلام و فقه پدید نیامد و ترکان آناتولی از میراث عظیم تحقیقات پربار حنفیان خراسان و ماوراءالنهر بهره جستند و این میراث فرهنگی را علمایی که در سده هفتم از مقابل مغولان به طرف غرب فرار کردند، همچون یوسف بن ابی سعید احمد سجستانی در آناتولی رواج دادند. مؤسسات فرهنگی دین اسلام همچون مدارس و مساجد آناتولی دیرتر به بار نشست. نخستین مساجد قلمرو سلجوقیان و سلسله‌های ترکمانی؛ چون دانشمندیه، منکوجکیه و سلتوقیه پس از حدود سال ۵۵۰ق ایجاد شد و نخستین مدرسه آناتولی که از کتیبه سردر آن پیدا است، در سال ۵۸۹ق در قیصریه پا گرفت، در حالی که مدرسه در سرزمینهای ایران و عربی تا شرق حدود ۲۰ قرن پیش متداول شده بود. مساجد و مدارس با تحکیم سلطنت سلجوقیان در سده هفتم در شهرهایی چون قونیه، قیصریه و چند شهر دیگر آناتولی و از جمله در ماردین عهد ارتوقیه از شکوفایی درخوری برخوردار شد. مدتی بعد از آنکه تصوف در آناتولی ریشه گرفت و انگیزه خود را نه تنها از سرزمینهای ایرانی، بلکه از شخصیت برجسته و عارف ربانی اندلس، ابن عربی (د ۶۳۸ق) که به ملیطه و سیواس و قونیه سفر کرد، دریافت کرد، تأثیرات ابن عربی، با تعالیم صدرالدین قونوی در

حیات اعتقادی آناتولی عثمانی (قرون ۷ و ۸)

یکی دیگر از این گروهها جماعت اخیان (صیغه ترکی اخوان، مفرد آن اخی) است. ابن بطوطه در شرح سفر خود به آسیای صغیر آنان را به همین نام می‌خوانده و می‌گوید: ایشان جماعتی نیکوکار هستند

۲. همان، صص ۳۴۷ و ۳۴۸. برای اطلاعات بیشتر نک: امپراطوری

۳. سلسله‌های اسلامی جدید، صص ۱۲۸ و ۱۲۹.

عثمانی عصر متقدم، صص ۲۵۱ و ۲۵۲.

۴. همان، ص ۱۳۰.



که به یاری مسلمانان و پذیرایی و اکرام ایشان و به ویژه غریب‌نوازی سرگرم‌اند و چندین تکیه و خان نیز دارند. این گروه با اینکه خود اهل رزم نبودند، اما سپاه‌یانی جنگجو برای خدمت به نیروهای رزمی در اختیار داشتند. آمده است که در این گروه تجار و بازرگانانی حضور داشته‌اند. بنابراین بسیاری از این بازرگانان ثروتمند، مسجدها و تکیه‌هایی برای صوفیان و مسافران بنا می‌نهادند. چون این جماعت به دولت عثمانی می‌پیوستند، به صورت سازمان اجتماعی درآمدند که رئیس برگزیده ملقب به آخی داشتند و به جهت اخلاص، دانش و آگاهی گسترده خود از امور دینی، در دولت، منزلتی عالی و نفوذی عمیق یافتند. این آخیان تأثیری بسیار بزرگ در اعتلای فرهنگ اسلامی در میان ترکان عثمانی داشتند. فواد کوپرلو، یادآور می‌شود که جماعت‌های آخیان، وارث جماعت‌های فتوت می‌شوند که در زمان خلافت ناصر عباسی سر برآورده بودند و جامه‌هایی خاص بر تن داشتند.^۵

یکی دیگر از این جماعت‌های دینی، باجیان روم بودند که عاشق پادشازاده، مورخ ترک از آنان یاد کرده و گفته است که این نام تحریف حاجیان روم است. اما خود فواد کوپرلو، این فرض را نپذیرفته و می‌گوید که باجیان روم احتمالاً جماعتی از صوفیان بوده‌اند که خود را وقف عبادت و دستگیری از فقرا کرده بودند و گروه‌هایی از آنان هم توسط زنان تشکیل شده بود. این موارد در شرح علل غلبه روح دینی بر دولت نوین عثمانی می‌تواند سندی محکم باشد. البته جماعت‌های ترکمن را که به بی‌باکی در جنگها مشهور بودند، باید به گروه‌های یاد شده افزود.^۶

پدید آمد که گمان می‌رود مقصود از آن ابدال روم؛ یعنی (قهرمانان جنگ) مسلمانان با رومیان باشد. شایان ذکر است، که اکثریت عظیم رومیانی که در این مناطق سکونت داشتند، به اختیار خود اسلام آوردند؛ زیرا فقیهانی که سلاطین در همه امور مربوط به سازمان و قوانین دولت با آنها مشورت می‌کردند، حکم کرده بودند که هر یک از ساکنان با خانواده خود مسلمان شود، در زمره اتباع دولت شمرده خواهد شد.^۷

دراویش در مذهب مسلمانان به منزله کشیشان مسیحی هستند. آنان را که در دین و معرفت یک درجه بر دراویش برتری دارند، مشایخ و آن گروه را که از خلق کناره گرفته و گوشه‌نشینی اختیار کرده‌اند، ازهاد می‌گویند که معبد ایشان را زاویه می‌نامند، چنان که مسکن دراویش را تکیه می‌گفتند. گوشه‌نشینان یا زهاد را به خاطر ورع و تقوایی که داشتند، پدر یا بابا یا دده می‌گفتند. بنابر عقاید مرتاضین اسلام، همیشه در روی زمین تعدادی از اولیا باید حضور داشته باشند که قرب ایشان بسته به اختلاف مرتبه‌هایشان دارد، اما هرگز از ۴۰ ابدال در روی زمین بیشتر نمی‌شود و چون یکی از ایشان بمیرد، یکی دیگر به جای او نصب می‌شود و جز خداوند بزرگ کسی نمی‌داند که چه کسی لیاقت این مقام را دارد. شهر بورسه به خاطر بهره‌مندی از نعمت‌های گوناگون و مرکز و مدفن سلاطین، علما، عرفا، فضلا و مشایخ بودن تا زمان فتح قسطنطنیه، شهر اول و پایتخت اول عثمانی بود.^۸

زاویه‌ها و زاویه‌نشینی و امور عام‌المنفعه سلاطین عثمانی

حکومت عثمانی با ساخت بناهای عام‌المنفعه سعی در جلب توجه مردم داشت. یکی از آنها زاویه بود که نقش مهمی در امپراطوری عثمانی به ویژه در همان اوایل استقرار حکومت بازی می‌کرد و الگویی برای بنای

۵. اطلس تاریخ اسلام، ص ۴۴۷.

۶. تواریخ آل عثمان، ص ۱۳.

۷. اطلس تاریخ اسلام، صص ۴۴۷ و ۴۴۸.

۸. تاریخ امپراطوری عثمانی، صص ۱۱۲-۱۱۵.



عمارات بود. زاویه، بنای موقوفه‌ای بود که از سوی شیخ یا درویش برای رفاه حال مسافران در شهرها یا اغلب در راهها و معابر طولانی و خلوت بنیان گذاشته می‌شد. شیخ یا درویشی که زاویه را بنیان نهاده بود، از حاکم قطعه‌ای کوچک از زمین را به رایگان دریافت می‌کرد و آن را برای بنای خویش به ارث می‌گذاشت. او و درویشی که پیرامونش گرد می‌آمدند، جهت تأمین معاش خود و هزینه‌های زاویه، شیخ و فرزندان وی همچون متولیان سایر اوقاف، مدیران موقوفی بودند که بر روی این زمین کار می‌کردند.

در اوایل دوره عثمانی، زاویه نقشی اساسی در اسکان مهاجران ترک در مناطق مرزی و مناطقی که عثمانیان فتح کرده بودند، بازی می‌کرد. درویش یا مهاجران فقیری که خود را درویش جلوه می‌دادند، از آناتولی به منطقه تازه فتح شده می‌آمدند و بخشی از زمین را برمی‌گزیدند و پس از اخذ حکمی از سلطان در آن زاویه می‌ساختند. از آنجا که اعضای زاویه از معافیت مالیاتی برخوردار بودند، سیل مهاجران جدید به اراضی وابسته به آن سرازیر می‌شدند و هسته یک دهکده نویناد ترک‌نشین را تشکیل می‌دادند. این منشأ اغلب روستاهای ترک‌نشینی بود که در سده ۱۴ در غرب آناتولی و بالکان به وجود آمدند. این زاویه‌ها در عین حال به عنوان پناهگاهی برای مهاجران تازه وارد و حتی غازیان نیز بودند.^۹

سلاطین عثمانی علاوه بر مدارس و مساجد، آشپزخانه‌هایی (مطبخ الفقرا) ساختند که برای فقرا و مساکین غذا پخت می‌کرد، که نمونه آن در شهر نیس (نقیه - نیکیا) بود که اداره این مطبخ، مساجد و مدارس را به آدمهای مقدس، شیوخ و مریدان جوان می‌دادند، تا اهداف خاص آنها که همان ترویج اسلام و دستگیری از مستمندان بود، دقیق اجرا شود. نمونه این سلاطین که به این امورات علاقه داشت، اورخان بود. او در درس و تحصیل و مدارس نظم شایسته

به وجود آورد و بسیار پارسا و نیک‌نفس بود. در سال ۷۳۷ق در سایه وجود وزیرانی با تدبیر، چون قراخلیل چندرلی و علاءالدین، در بورسه همچون نبقیه، آبادانی، توسعه و ترویج علم شروع و مدارس و مساجد در آنجا ساخته شد. در این دوره برای صوفیه و شیوخ صومعه و معابد جدیدی در پای کوه المپ بنیان نهاده شد. از صوفیان مشهور آن دوره می‌توان به تورود و ابدال قمرال اشاره کرد که هنوز صومعه‌هایشان زیارتگاه معتبر آن سامان است. همین ابدالها و صوفیها در لشکرکشیها همراه سلطان می‌رفتند و همیشه دعاگو و حامی شاه و پایتخت بودند.^{۱۰} از نکات بسیار مهم در این دوره (قرون هفتم و هشتم)، وجود امکته‌های مذهبی و مدارس جهت ترویج علم بود. نمونه این شهرها که توسط مراد فتح شد، انگوریه است که در زمینه مساجد، مقابر و حمامهای معروفه در آن، می‌توان به مسجد حاجی بیرام، حمام احمد پاشا، مدارس مصطفی پاشا، سیف‌الدین و طاش کویریزاده که یکی از فضلالی بزرگ است، اشاره کرد.^{۱۱}

مراد در آن زمان که پادشاهان مسیحی چون لوئی، کلیساهایی را با اهداف مختلف غیرمذهبی بنا کردند، بنای ساختن مساجد، صوامع، مدارس و حمامها را گذاشت. چنان که در بیلجیق یک مسجد ساخت و در ینکی شهر صومعه جهت درویش معروف پوستین پوش بنا کرد و در بورسه مسجد کوچکی در تنگه سماوی دایر نمود.^{۱۲} از نکات مورد توجه در سالهای پایانی عمر مراد، فعالیت نقشیندبان است که شیخ بزرگ آنها بهاء‌الدین هم‌دوره مراد بود که تاریخ وفات او و شاعر بزرگ فارسی حافظ شیرازی در یک سال در سال ۷۹۲ق ذکر شده است.

وضعیت اعتقادی در امیرنشینها

امیرنشینهای مرزها راه زندگی خاصی داشتند که

۱۰. تاریخ امپراطوری عثمانی، صص ۱۰۶-۱۱۲.

۱۱. همان، ص ۱۵۳.

۱۲. همان، ص ۱۶۷.

۹. امپراطوری عثمانی عصر متقدم، صص ۲۵۱-۲۵۳.



می‌توان آن را فرهنگ مرزی نامید و همین سبب تمایز آشکار آنها از سرزمینهای داخلی آناتولی بود. در این فرهنگ غلبه با مفهوم جنگ مقدس یا غزا بود. آنها معتقد بودند که به فرمان خدا باید با کفار در متصرفات ایشان (دارالحرب) پیوسته بجنگند، تا آنان تسلیم شوند. بنابر احکام شریعت، اموال کفار که در حمله‌ها به دست می‌آمد، حکم غنیمت داشت و سرزمینهای ایشان باید ویران شود و مردمان آنها به اسارت درآیند یا کشته شوند. جنگهای قطع ناشدنی به تشکیل گروههایی انجامید که تحت فرمان غازی بودند و مخصوصاً دعای خیر شیوخ از اسباب تأیید و استقرار این رهبران به شمار می‌رفت. گروههای غازی غالباً به نام رهبران آنها خوانده می‌شوند، طبیعتاً در اطراف رهبران موفق‌تر عده زیادتری از غازیان گرد می‌آمدند. در مرزهای سلجوقی که زیر تسلط صحرائشینان ترکمن بود، این رهبران غالباً رؤسای قبایل نیز بودند، ولی چنان که پیش‌تر دیدیم، بعضی از آنان در زیر فرمان سلاطین سلجوقی بودند. معمولاً این بایهای غازی به حکومت مرکزی ایالت بی‌توجه بودند و یا تنها مبلغ اسمی مختصری به نشانه اطاعت تسلیم می‌کردند. زندگی در مرزها خطرناک بود و به ابتکار شخصی فراوان نیاز داشت. در آن سوی مرزها نیز سازمان مرزی مشابه مسیحی وجود داشت که با روحیه مشابهی اداره می‌شد. از لحاظ نژادی جامعه مرزی بسیار مخلوط بود. صحرائشینانی که در جابه‌جا شدن بسیار سریع بودند، پناهندگان و فراریان از قدرت مرکزی، عناصر با عقاید گوناگون و ماجراجویان جمعیت این نواحی را تشکیل می‌دادند. برخلاف تمدن محافظه‌کارانه بسیار پیشرفته اراضی داخلی که فقه، کلام و ادبیات درباری مخصوص به خود داشت، مرزها فرهنگ عامیانه التقاطی و صوفیانه‌ای داشت که هنوز تبلور پیدا نکرده و شکل نهایی خاصی به خود نگرفته بود. در اینجا فرقه‌هایی با عقاید گوناگون زندگی می‌کردند و ادبیاتی صوفیانه

و حماسی در حال رشد بود و از قرائن عرفی یا قبیله‌ای اطاعت می‌کردند و روحیه شهبوساری و قهرمانی داشتند. داستانهایی که از زندگی عثمان غازی در روایات قدیم عثمانی آمده است، این راه زندگی را منعکس می‌کند.

عثمانیان، غازیان و قهرمانانی بودند که در راه حقیقت و طریق خدا تلاش می‌کردند و ثمره غزای خود را به جنگ می‌آوردند و در راه خدا خرج می‌کردند، حقیقت را برمی‌گزیدند، برای ترویج دین می‌کوشیدند، به دنیا مغرور نمی‌شدند، از راه شریعت پیروی می‌کردند، از مشرکان انتقام می‌گرفتند، غریبان را نوازش می‌کردند و راه اسلام را از شرق تا غرب روشن نگاه می‌داشتند.^{۱۳} درباره اهمیت و اعتبار فقها و قضات در دربارهای امیران و بایها سخن زیاد آمده است، نخستین وزیران از میان قضاتی برگزیده شدند که آنان را از شهرهای مرکزی آناتولی به این نواحی دعوت می‌کردند. مجموعه‌ای از ساختمانها مشتمل بر مسجد، نوانخانه، حمام و کاروانسرا توسط این بایها ساخته شده است. برجسته‌ترین خصوصیت فرهنگی که در این امارت‌های ترکمن پیدا شد و توسعه یافت، آن بود که سنتهای فرهنگی ترکی در آن باقی ماند و با فرهنگ اسلامی آمیخته شد.^{۱۴}

گروههای متصوفه در آناتولی

نهادهای وابسته به صوفیان، اخیان و فتیان که افکار و اندیشه‌های صوفیانه خاص خود را داشتند، با وجود داشتن نقش مهم اجتماعی، در گسترش فرهنگ و مدنیت اسلامی در آناتولی سهم زیادی داشتند. شیوخ و دراویشی که از ممالک دیگر آمده و یا بعدها در خود آناتولی تربیت شده بودند، موفق به ایجاد یک جریان قوی صوفیانه در این سرزمین شدند. صوفیانی که به آناتولی مهاجرت کردند، عمدتاً از

۱۳. تواریخ آل عثمان، ص ۶.

۱۴. تاریخ اسلام کمبریج، صص ۳۶۶-۳۶۸.



و بانی یک طریقت معتبر گشته بود. ابن بطوطه در سفرنامه خود هرچند به اختصار راجع به وضعیت تصوف در آناتولی در سالهای اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم اشاره کرده و می‌نویسد در شهرهای نظیر ازمیر، برگاما و آماسیه، به تکیه‌های رفاهی و درگاههای مولوی برخورد کرده است.^{۱۷} علاقه و وابستگی روم آناتولی به شیوخ و تکیه‌ها، که با گذشت زمان رو به افزایش می‌گذاشت، نشان‌دهنده تأثیر مثبت جمعیت‌های صوفیانه در حیات فرهنگی و اجتماعی آناتولی است. نکته قابل ذکر اینکه سلاطین و امیران محلی نیز برای جلب نظر مردم ضمن احترام به مشایخ صوفیه، نفوذ اجتماعی آنها را به رسمیت می‌شناختند و حتی خود نیز از برخی طریقت‌های صوفیانه تبعیت نموده و به مشایخ صوفیه نهایت عزت و احترام را روا می‌داشتند.^{۱۸}

جهت‌گیری گروه‌های طریقت و فتوت

پس از حمله مغولان در قرن ۱۳، طریقت‌های صوفیه و به خصوص نظام اخلاقی (فتوت)، تأثیر عمده بر اصناف نهادند. جماعت‌های فتیان که کارگران جوان و مجرد مقیم شهرهای بزرگ را سازماندهی می‌کردند، تداعی حلقه‌های اخوت در امپراتوری روم بودند. بر مبنای نظام اخلاقی فتوت، انسان کامل کسی بود که سخی، فنی، منضبط و تابع اولیای خود و متین باشد. عضویت در چنین تشکیلاتی مستلزم حضور در مراسم نمادینی بود که پس از آن نظام اخلاقی فتوت به فرد تازه وارد القا می‌شد. در طی سده‌های ۱۳ و ۱۴ میلادی این جنبش تحت عنوان اخوت عنصر متداول در جامعه آناتولی بود. در شهرها هر گروه از پیشه‌وران طبق مبنای فتوت به رهبری یک اخی که از میان اعضای خود انتخاب می‌کردند، سازماندهی می‌شد. از آنجا که طی این دوره قدرت کاملاً متمرکزی در آناتولی وجود داشت، اخیه‌ها برخی از کارکردهای

ممالکی همچون ایران، مصر، عراق و سوریه بودند. افزون بر اینها، شماری از دراویش که در میان ترکان ماوراءالنهر خراسان زیسته و از منسوبان به طریقت احمد یسوی بودند، نیز به آناتولی مهاجرت کردند. نهادهای منسوب به اهل فتوت از اواخر عباسی در آناتولی رو به گسترش نهاد. حمله و هجوم مغولان به شرق جهان اسلام، ضمن آنکه موجب مهاجرت اهل فتوت به قلمرو آناتولی شد، به نوبه خود اسباب گسترش و تحکیم موقعیت و جایگاه اهل فتوت در این سرزمین نیز گردید.^{۱۵}

در باب مهاجرت متصوفان آمده که تعدادی از مریدان نجم‌الدین کبری به آناتولی مهاجرت کرده بودند، آن هم به خاطر حملات مغولان به خوارزم. طبق گفته‌های جامی مؤلف *نفحات الانس*، دراویش طریقت احمد یسوی و دراویش کبرویه نیز به آناتولی مهاجرت کرده بودند. شیخ نجم‌الدین رازی معروف به دایه، که از شیوخ بزرگ طریقت کبرویه بود، به آناتولی مهاجرت کرده و در قیصریه سکونت یافت. او با صدرالدین قونوی و جلال‌الدین مولانا دیدار کرده و با عزیمت به سیواس به ارشاد مردم در آناتولی همت گماشت.^{۱۶} از منابع تاریخ تصوف می‌توان دریافت که از اواسط قرن هفتم، از جمله کسانی که به ترویج و گسترش تصوف و طریقت صوفیانه در آناتولی همت گماشتند، افرادی نظیر اوحدالدین کرمانی که به طریقت سهروردی وابسته بود، شیخ محی‌الدین عربی که از مشهورترین شیوخ متصوفه بود و صدرالدین قونوی که از نزدیکان مولانا بود و خود مولانا که ابن بطوطه از شهرت او در میان عامه مردم سخن گفته، همگی در قونیه گرد آمده بودند. علاوه بر مشایخ صوفیه باید به حاجی بکتاش اشاره کرد که مریدانش بعد از او به اشاعه طریقت او پرداختند، معتقد بودند که او در آناتولی قرن هفتم از نفوذ و اعتبار بالایی برخوردار بود و آوازه شهرت او به همه جا رسیده

۱۷. سلجوقیان، صص ۱۴۰ و ۱۴۱.

۱۸. همان، صص ۱۴۲.

۱۵. تشکیلات فتوت در قلمرو ترکان و مسلمانان و منابع آن، صص ۷۸.

۱۶. همان، صص ۷۹ و ۸۰.



عمومی را ایفا می‌کردند و در شهرها به نیروی سیاسی بدل شده بودند. در واقع اصناف اسلامی از همان بدو پیدایش خود، نماد مخالفت مردمی با طبقه نظامی و اداری حاکم بودند. در ادوار متقدم، اخیه‌ها نقش مهمی در حکومت و جامعه عثمانی بازی کردند و البته با فزونی یافتن مطلق‌گرایی و تمرکزگرایی، حکومت بیش از پیش آنها را تحت نظارت خود قرار داد. در شهرها اخوت صرفاً یک تشکیلات صنفی بود، ولی با این حال نظام اخلاقی فتوت در درون اصناف پیشه‌وران همچنان تداوم یافت. معمولاً فردی نمایندگی گروه تشکیلی را در بیرون بر عهده داشت و امور خارجی را هدایت می‌کرد. چنین فردی نزد عثمانیان کدخدا، نزد اعراب شیخ، و در آناتولی سده ۱۳ اخی خوانده می‌شد. در این جوامع قرون وسطی تشکلهای برای مشروعیت دادن به موجودیت خویش و قواعد مربوط، به دنبال توجیهاات مذهبی و معنوی بودند و به همین جهت در رأس هر صنف یک شیخ قرار داشت که نماد اقتدار معنوی و مذهبی آن بود. هرچند در سرزمینهای عربی شیخ مدیر اجرایی صنف بود، در مناطق مرکزی قلمرو عثمانی؛ یعنی روملی (روم دیلی) و آناتولی، شیخ در مقام یک رهبر معنوی قرار داشت. شیخ نقش مهمی در تشکلات اصناف بازی می‌کرد. در مراسم پذیرش اعضای جدید و آزمون استادکاری حضور داشت و مسئول ابلاغ و نظارت بر اجرای مجازاتهای درون صنفی بود.^{۱۹}

بهره‌گیری عثمانی از گروههای طریقتی و فتوتی

در همان اوان پیروزیهای عثمانی و به خصوص دوره عثمان، طریقتهای دراویش بر حیات معنوی سرحدات مستولی بودند و در نتیجه خاستگاهی صوفیانه هم برای قدرت سیاسی عثمانیان جستجو شد. نخستین

روایت حاکی از آن است که عثمان از عنایات شیخ ابدالی که احتمالاً رهبری گروهی از اخیه‌ها بوده، برخوردار بوده است. شیخ ابدالی با پیش‌بینی اینکه عثمان بر جهان مسلط خواهد شد، شمشیر یک غازی را بر میان او می‌بندد. عثمان هم از چنان آینده‌نگری برخوردار است که دختر یکی از ابدال، پرنفوذترین فرد در مناطق مرزی را به نکاح خویش درمی‌آورد. اورخان و پسرش، بعداً در مناطق تازه فتح شده، صدها موقوفه برای اخیه‌ها بنا کردند. بنابراین اخیه‌ها سهم مهمی در استقرار حکومت و سلسله عثمانی بازی کردند. زمانی که امارت‌های کوچک آناتولی به رسمیت شناختن حکومت مراد را آغاز کردند و تحت لوای او رفتند، او القاب خداوندگار و سلطان اعظم را به خود اختصاص داد که پیش از او سلاطین سلجوقی به کار می‌بردند. زمانی که محمد دوم با فتح قسطنطنیه معتبرترین فرمانروای مسلمان شد و عثمانیان او را به منزله بزرگ‌ترین حاکم اسلامی از زمان خلفای راشدین می‌دانستند، او خود را به عنوان کسی می‌دانست که از جانب همه مسلمانان می‌جنگد و این‌گونه اعلام می‌دارد که این مشکلات در راه خدا است، شمشیر اسلام در دستان ما است، اگر به تحمل شداید تن ندهیم، شایستگی نداریم ما را غازی بخوانند و روز محشر از ایستادن در محضر خدا شرمنده خواهیم بود. سلطان محمد در نامه خود خطاب به سلطان مالیک که در آن وی را از فتح قسطنطنیه مطلع می‌کند، نوشته که بر عهده شما است که راههای زیارت حج را برای مسلمانان مفتوح نگه دارید، ما موظف به فراهم آوردن مایحتاج غازیان هستیم که همه اینها نشان از وضعیت اعتقادی و فعالیت گروههای اسلامی و حتی اهل طریقت و متصوفه در آن قلمرو عثمانی و به خصوص آناتولی است.^{۲۰}

۱۹. نگاهی به جریانهای طریقتی و فتوتی در قرون ۷ و ۸، صص ۴۲ و ۴۳.

۲۰. امپراطوری عثمانی عصر متقدم، صص ۹۶ و ۹۷.

طریقت‌های متصوفه

در دوره سلجوقی، محافل علمی شهرهای آناتولی مرکزی، فرهنگ فاخر ایرانی را اقتباس کرده بودند. در حالی که در مناطق مرزی، فرهنگ عامیانه ترکی غازیان و دراویش که دربر گیرنده دو جریان عرفانی و سلحشوری بود، غلبه داشت. دراویش منطقه مرزی که معمولاً بابا، ابدال یا اخی نامیده می‌شدند و با نخستین بیگهای عثمانی روابطی تنگاتنگ داشتند، به همراه امواج مهاجران ترکمن از سده ۱۱ به بعد وارد آناتولی شده بودند. آنان بسان شمنهای ترکان و مغولان دوران باستان، محورهای اجتماعی و معنوی ایلات ترکمن بودند. در مناطق کوهستانی و ارتفاعات آناتولی و به ویژه در مناطق مرزی واداشتن ترکمانان نیمه چادرنشین به رعایت اشکال راست‌کیشانه حیات و عبادت اسلامی کار دشواری بود. ابدالها و باباها نماد اشکال کژآیین اسلام بودند که از معتقدات شمنی نشئت می‌گرفت و با ساختار زندگی اجتماعی و زندگی ایلی سازگاری داشت. چادرنشینان به نحوی متعصبانه به باباهایی ارادت می‌ورزیدند که اشکال آرمانی جامعه و فرهنگ آنان را نمایندگی می‌کردند. چندان شگفت‌آور نیست که شورشهای مردمی در آناتولی که آرمانهای بنیادین آنها، اجتماعی و سیاسی بود، تقریباً همواره در قالب جنبشهای مذهبی کژآیین مجال بروز می‌یافتند. در سال ۱۲۴۱م دو سال پیش از یورش مغولها در آناتولی مرکزی، درویشی به نام بابا اسحاق، نخستین شورش فراگیر ترکمان را که اسناد تاریخی از آن باقی مانده است، رهبری کرد. این شورش پس از نزاعی دشوار سرکوب شد. بسیاری از دراویش کژآیین ترکمن که به بابایی موسوم بودند، به سرحدات غربی گریختند که در آنجا ترکمانان اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دادند و بیگهای ترکمن از ایشان استقبال می‌کردند.^{۲۱}

طریقت‌های مذهبی امپراطوری عثمانی را می‌توان

۲۱. اسلام و متصوفه، ص ۱۳۱.

به دو دسته اصلی تقسیم کرد: دسته نخست شامل «طریقت‌های مستقر» بود که تکاپایی داشتند. عواید اوقافی که سلاطین یا بزرگان دیگر، بنیان نهاده بودند، پشتوانه آنها بود و از تشکیلات مشخص، مراسم و شعائر ثابتی برخوردار بودند. معروف‌ترین این طریقتها نقشبندیه، مولویه، خلوتیه و شعبات گوناگون آنها بودند که مریدان خود را از میان افراد بالای جامعه جذب می‌کردند. هر طریقت معیار و دستار و مراسم ذکر خاص خود را داشت. هرکدام بر مبنای جهت‌گیری معتقدات خود، یک صوفی، شیخ یا یکی از صحابه پیامبر(ص) را به عنوان سرسلسله خود می‌شناخت و شجره‌نامه مخصوص به خود داشت. دسته دوم به «طریقت‌های مخفی» که معمولاً به ملامیان یا ملامتیه موسوم بودند، شناخته می‌شدند. از نظر مردم آنان نه در پی اعتبار و احترام، بلکه چنان که از نام آنها هویدا است، خواستار ملامت و مؤاخذه بودند و از هرگونه تظاهری خودداری می‌کردند. فاقد تشکیلات و نمادهای ظاهری بودند و نوع ذکر و عبادات ایشان مخفی و باطنی بود. با حکومت هیچ نوع پیوندی نداشتند و کمابیش مخالف قدرت بودند. آنها خود را به خوردن نباتاتی که از دست رنج خویش تهیه کرده بودند، خو داده و از حکومت و هیچ فرد دیگری صدقه و بخشش قبول نمی‌کردند. از جمله وابستگان به این گروه دراویش سیاحی بودند که تحت عنوان قلندری، حیدری، ابدالی، بابایی و حمزه‌ای شناخته می‌شدند. آن دسته از ملامتیان که زندگی مخفیانه‌ای داشتند، در شهرها در زمره اعضای اصناف قرار داشتند. در بسیاری از حکومت‌های اسلامی و از جمله در امپراطوری عثمانی، تشیع نمایندگی مخالفان نظم موجود - یعنی قدرت مطلقه حکومت که اسلام سنی را نمایندگی کرد - را بر عهده گرفته بود. خصوصیات ماوراءالطبیعی منسوب به علی و اولاد او بر مبنای نظریات عرفا تفسیر می‌شدند و بسیاری معتقد بودند: نور الهی که گمان می‌رفت علی را دربر گرفته است، به





اولاد او منتقل شده است که به همین دلیل از توانایی تفسیر معانی باطنی قرآن کریم بهره می‌بردند. این معتقدات کمابیش وجه مشترک طریقت‌های فعال در امپراطوری عثمانی بودند و در جریان جنبش قزلباش شکلی غالی به خود گرفتند. در سده ۱۶ با ظهور سلسله صفوی در ایران که نمایندگی این معتقدات را بر عهده داشت، این جنبش به محفلی عمده برای امپراطوری عثمانی بدل شد.^{۲۲}

(۱) نقشبندیه

وجود سلسله‌های دراویش در میان عرب و عجم و اتراک به قدری زیاد شده که در منابع ذکر می‌شود که ۷۲ دسته و سلسله از دراویش مدعی موجودیت و بر حق بودن خود هستند. در مملکت عثمانی حدود ۳۶ سلسله از آنان وجود داشته‌اند؛ یک سوم آنها قبل از دولت عثمانی و دو سوم آنها از آغاز آن دولت که از ابتدای قرن ۱۴ تا اواسط قرن ۱۸ است. اولین سلسله آن نقشبندیه است که تاریخ ظهور آن به دوره سلطان عثمان برمی‌گردد و آخرین سلسله از آنها طایفه و فرقه جمالی است که در دوره سلطان احمد طلوع کردند. سلسله‌های قبل از اورخان، نقشبندی، سعديه و بکتاشیه بودند.^{۲۳} طریقت نقشبندیه توسط محمد بهاء‌الدین نقشبندی تأسیس گردید. از جمله مهم‌ترین نمایندگان صوفیهای سنی وابسته به شریعت محسوب می‌گردد که در میان جوامع حنفی مذهب دارای تأثیر قابل توجهی است. بنابر اعتقادات نقشبندی مهم‌ترین راه تقرب به خداوند، انجام واجبات دین و عبادات نافله می‌باشد. مهم‌ترین وجه تمایز این طریقت با طریقت‌های دیگر روش رابطه می‌باشد (مرید خود را مرده کفن شده‌ای که بر جنازه‌اش نماز خوانده‌اند، فرض می‌کند و سپس به میان دو ابروی مرشد نگریسته و سعی به فیض بردن از روحانیت او می‌نماید).^{۲۴}

نقشبندیها مانند بسطامیها و بکتاشیها، پیر خود را ابوبکر خلیفه اول می‌دانند و سایر سلسله‌ها پیر خود را علی(ع) داماد پیامبر(ص) می‌دانند. بعضی از شعرا نیز در مسلک مشایخ داخل‌اند، از جمله شیخ جامی ایرانی که از بقیه مشهورتر است. مطابق قاعده نقشبندیها، هر مرشد بزرگ باید چهار مرید معتبر داشته باشد، که انتخاب این عدد به جهت تقلید از خلفای راشدین و پیروی از عدد انجیل‌دانان اربعه و عدد چهار نفر رئیس الملائکه که دور عرش خدا ایستاده‌اند، است. از سلسله نقشبندی که در دوره سلطان عثمان وضع شد، چند شعبه حاصل می‌شود، چنان که بکتاشیها شعبه نظامی و سپاهی این سلسله بودند و شیخ این شعبه سرهنگ لشکر ۹۹ ینی چریها بود. در هر سربازخانه هشت درویش زندگی می‌کردند که در حق سپاهیان دعا و از درگاه خداوند فتح و نصرت برای ایشان طلب می‌کردند. اورخان از حامیان آنها بود و فتح بورسه را از برکت آنها می‌دانست. او حامی و طالب علما و فضلا بود و آنها را در مدرسه راه می‌داد و مقرری برای آنها تعیین می‌کرد.^{۲۵}

(۲) بکتاشیه

این طریقه به مهم‌ترین طریقت مردمی تبدیل شد و طریقت‌های گوناگون دیگر موسوم به ابدال، قلندری و حیدری را در خود هضم کرد. مؤسس این فرقه حاجی بکتاش بود. حاجی بکتاش در نیمه دوم سده ۱۳ در آناتولی تحت سلطه سلجوقیان، در مسیر راه تجاری مهم میان آنقره و قیصری در میان مناطق بیلاقی که گروههای ترکمن زیاد بودند، فعالیتش را شروع کرد. دراویش بکتاشی از پایان سده ۱۴ در مناطق مرزی عثمانی در روم ایلی ظاهر شدند و عثمانیان این طریقت را همچون مسلک ساری سالتق که پیر غازیان عثمانی در روم ایلی بود، پذیرفتند، در سده ۱۵ بکتاشی‌گری در میان قوای ینی چری تثبیت شد. در ادامه می‌بینیم که از اواخر سده ۱۶ حاجی

۲۲. امپراطوری عثمانی عصر متقدم، صص ۳۱۹ و ۳۲۰.

۲۳. تاریخ امپراطوری عثمانی، صص ۱۴۶ و ۱۴۷.

۲۴. زمینه شناخت جامعه و فرهنگ ترکیه، ص ۸۹.

۲۵. تاریخ امپراطوری عثمانی، ص ۱۴۸.

بکتاش رسماً به عنوان پیر ینی چریها شناخته شد و یکی از شیوخ بکتاشی به صورت دائمی در این نیرو عضویت یافت. طریقه بکتاشی و قوای ینی چری چنان پیوند تنگاتنگی به هم یافته بودند، که زمانی که یک دده جدید به عنوان رهبر این طریقت انتخاب می‌شد، به پادگان ینی چری در استانبول می‌آمد، تا آغای ینی چری بر او تاج‌گذاری کند. بکتاشی‌گری در میان گروههای ترکمن آناتولی به ویژه در منطقه حد فاصل قزل ایرماق و ارزروم در جنوب جبال تورس بسیار عمیق بود. تشکیلات طریقت بکتاشی سلسله مراتبی بود که در صدر آن پیر یا دده قرار داشت و پس از او به ترتیب خلفا، شیوخ، مریدان یا محبان قرار داشتند.^{۲۶}

حاجی بکتاش از رهبران با نفوذ علویان و مؤسس فرقه بکتاشیه در زمان حمله مغول از خراسان مهاجرت کرده و به نشر و ترویج افکار خویش پرداخت. علوی و بکتاشی از نظر فلسفه و اصول عقاید مشابه هستند و از نظر زمانی اختلاف چندانی میان آنها نیست، ولی به دلایلی چون تفاوت در عرف و عادات بکتاشی به عنوان شاخه‌ای از علوی از آن جدا گردید. بکتاشی وابستگی و اعتقادی شدید به حضرت علی و ائمه اطهار(ع) و تولی و تبری نسبت به دوستان و دشمنان آنان دارند و ایمان به حاجی بکتاش اساس اعتقادات بکتاشیه را تشکیل می‌دهد. طریقه بکتاشیه بر چهار اصول استوار است، که چهار درگاه نامیده می‌شوند و عامل تمایز و جدایی آنها از سایر طریقتها است. این چهار اصل عبارتند از: شریعت، طریقت، معرفت و حقیقت که به عبادت، حاجت و نذر و وصلت متکی است. از جمله مهم‌ترین رسوم بکتاشیه، آیین جمعه است که در حقیقت بازتاب بارزی از اعتقادات این جماعت بوده و ریشه در معتقدات آنان دارد. این آیین از چهار بخش تشکیل شده است: اقرار، اخلاق،

مصاحب و ابدال.^{۲۷}

همان‌طور که گفته شد، طایفه ینی چریان هم سرباز بودند و هم درویش و ما شاهد این قضیه در میان سپاهیان مسیحیان بیزانس هم بودیم و عده‌ای از سربازان را به جهت ازدیاد غیرت و پایداری در جنگ، اسم مذهبی شوالیه دوتامپل را بر آنها گذاشته بودند. یک احتمال قوی هم وجود دارد که چون شوالیه رود، در آغاز کار صلیب‌پرستان (مسیحیان) لشکریان خود را به جهت قلع و قمع اترک به ازمیر رانده، شهر را گرفتند، اورخان به جهت قرب جوار و نزدیکی به آنها تقلید کرده و خواست ینی چریان را با یکدیگر متحد کرده و هم‌سلسله سازد، به همین دلیل بود که حاجی بکتاش را مرشد آنان قرار داده است.^{۲۸}

۳) حروفیان

فرقه‌ای دیگر بود که به شدت توسط حکومت عثمانی مورد اذیت و آزار و تعقیب بودند. مؤسس این فرقه فضل الله استرآبادی بود که به نوعی یک دین جدید بود. او خود را مظهر خدا و مهدی موعود مسلمانان، مسیحیان و یهودیان خواند و خود را حاصل صرف و کلام آخری می‌خواند که تقدیر بر این بود که این ادیان ثلاثه را باهم متحد کند. او به معاد معتقد نبود و همچون ملایمان به کار یدی و دسترنج شخصی به عنوان تنها منبع حقیقی کسب بهره اصرار می‌ورزید. این طریقه بعد از سرکوبی در ایران از اوایل سده ۱۵ رسوخ سریع خود را در شهرهای قلمرو عثمانی در روم ایلی و آناتولی، جایی که مسیحیان و مسلمانان در کنار هم زندگی می‌کردند و در اصنافی واحد به کار مشغول بودند، آغاز کرد. داعیان حروفی می‌کوشیدند حکام عصر را به دین خود متمایل کنند و گاهی هم علیه مخالفانشان سوء قصدهایی از نوع فعالیت‌های اسماعیلیه و ملاحده انجام می‌دادند. در سال ۱۴۴۴م حروفیان گروهی پرجمعیت در پایتخت عثمانی، ادرنه

۲۷. زمینه شناخت جامعه و فرهنگ ترکیه، صص ۸۵ و ۸۶.

۲۸. تاریخ امپراطوری عثمانی، صص ۱۴۸.

۲۶. امپراطوری عثمانی عصر متقدم، صص ۳۲۵ و ۳۲۶.





بودند و یک داعی حروفی ایرانی در دربار عثمانی نفوذ داشت. بعدها این فرقه به خاطر نگرانی از حمله صلیبی و حمایت مسیحیان از این گروه که آنها را داعی مسیحی می‌خواندند، توسط عثمانی سرکوب شد.^{۲۹}

۴) قزلباش

قزلباش یکی از طریقت‌های علوی است. این لفظ در گذشته از نظر اجتماعی با بار ارزشی منفی همراه بوده است آن هم به دلیل بافت مذهبی و اجتماعی مرسوم آن دوران که آنها را متمایز می‌کرد و غالباً برای تحقیر و تضعیف مورد استفاده قرار می‌گرفت. قزلباشها معتقد به ۱۲ امام بودند و بیش از اندازه به حضرت علی(ع) عشق می‌ورزیدند. آنها با بکتاشیها نقاط اختلاف و تشابه زیادی دارند. به ماه محرم و واقعه کربلا توجه خاص داشتند و به وحدانیت خدا، پیامبر و نخستین خلیفه بودن او و تولی و تبری نسبت به دوستان و دشمنان معتقد بودند. اصولاً کسی که قزلباش نباشد، اجازه ورود به این طریقت را ندارد. قزلباشهای آناتولی غالباً در ارزنجان، ارزروم، سیواس، اسکی شهر، بالکسیر، ازمیر، مالاتیا، تونچلی، آنتالیا و چروم ساکن می‌باشند و گروهی از آنها در یونان ساکن هستند.^{۳۰}

۵) قدریه

در ابتدای قرن ۱۲ به وسیله یک صوفی ایرانی به نام عبدالقادر گیلانی پایه‌گذاری گردید و به وسیله اشرف اغلو مؤسس طریقت اشرفیه به سرزمین آناتولی راه یافت و بعدها توسط یکی از بنیان‌گذاران فرقه اسماعیلیه به نام اسماعیل روسی در قلمرو عثمانیه اشاعه یافت و تکیه‌های بسیاری در استانبول و دیگر نقاط این سرزمین بنا گردید. آنها معتقدند که نعمات دنیا حجاب هستند، پس باید ریاضت کشید تا پرده برداشته شود و به قدر معتقد و راضی باشد.

آنها از لحاظ شجره نسب خود را به حضرت علی(ع) می‌رساندند. پیروان قدریه با انجام مراسمی با نام نمایش یوهان، به بدن خود سیخ فرو نموده یا از روی آتش عبور می‌کنند.^{۳۱}

نتیجه‌گیری

۱. گروههای طریقتی و تصوفی در قدرت‌گیری و تشکیل امپراطوری عثمانی نقش بسزایی داشتند. این مسئله در اثر یکسری عواملی بود که در طول مقاله به طور دقیق بدانها پرداخته شده است.
۲. تأثیرات محیطی و جغرافیایی در شکل‌گیری گروههای مذهبی و در ادامه جذب و ادغام و در نهایت هضم این فرق و ادیان در خود، از نکات حائز اهمیت است.
۳. علاقه نشان دادن بعضی از سلاطین عثمانی به احداث مساجد و امکانه‌های مختلف مذهبی، با اهداف و استراتژیهای خاص خود و سود بردن از آن برای رسیدن به منافع خود بوده است.
۴. شکل‌گیری و ادامه حیات فرق و گروههای متصوفه، ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با قدرتهای محلی وقت داشته که این ناشی از یک نوع نیاز دوطرفه بوده است.
۵. نظامهای آموزشی دینی در ادوار متقدم با وجود تحت سلطه بودن، تا حدودی توانستند رسالت مذهبی و ارشادی خود را در جامعه در جهت اخلاق مدار کردن محیط به نحوی شایسته ایفا کنند.

۲۹. امپراطوری عثمانی عصر متقدم، صص ۳۲۳ و ۳۲۴.

۳۰. زمینه شناخت جامعه و فرهنگ ترکیه، صص ۸۶ و ۸۷.

۳۱. همان، صص ۸۷ و ۸۸.

کتابنامه

- آربری، آ.ج؛ اشپولر، برتولد؛ لمپتون؛ و لوئیس، برنارد، *تاریخ اسلام کمبریج*، ترجمه احمد آرام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱ ش.
- اسنادی، فاطمه، *نگاهی به جریانهای طریقتی و فتوتی در قرون ۷ و ۸*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ ش.
- اینالجق، خلیل، *امپراطوری عثمانی عصر متقدم (۱۳۰۰-۱۶۰۰)*، تحقیق: کیومرث قرقلو، تهران، بصیرت، ۱۳۸۸ ش.
- باثورت، کلیموند ادموند، *سلسه های اسلامی جدید (راهنمای کارشناسی و تبارشناسی)*، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱ ش.
- پروند، شادان؛ و سبجانی، زهرا، *زمینه شناخت جامعه و فرهنگ ترکیه*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین الملل، ۱۳۷۳ ش.
- پورگشتال، هامر، *تاریخ امپراطوری عثمانی*، ترجمه میرزا زکی علی آبادی، تهران، زرین، ۱۳۶۷ ش.
- شکر، محمد، *سلجوقیان (شکست بیزانس در ملازگرد و گسترش اسلام در آناتولی)*، ترجمه نصراله صالحی و علی ارطغرل، قم، نشر ادیان، ۱۳۸۵ ش.
- کیزه، فریدریج، *تواریخ آل عثمان*، بی جا، بره سلاو، ۱۹۲۲ م.
- گولپینارلی، عبدالباقی، *تشکیلات فتوت در قلمرو ترکان و مسلمانان و منابع آن*، استانبول، دانشگاه استانبول، ۱۹۵۲ م.
- محمدی آستانه ای، محمدباقر، *اسلام و متصوفه*، قم، نشر حوزه علمیه، ۱۳۶۲ ش.
- مونس، حسین، *اطلس تاریخ اسلام*، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، سازمان جغرافیای نیروهای مسلح، ۱۳۸۵ ش.

